

جایگاه تاریخی زبان و ادبیات فارسی در منطقه سین کیانگ چین

علی محمد سابقی

مقدمه

منطقه سین کیانگ (ترکستان شرقی) با مساحتی بالغ بر ۱,۶۶۴,۹۰۰ کیلومتر مربع، تقریباً معادل سرزمین ایران و یک ششم کل مساحت چین است. این منطقه واقع در غرب این کشور، با جمعیتی بیش از بیست میلیون نفر، با هشت کشور، از روسیه در شمال تا پاکستان در جنوب غربی، جمعاً ۵۶۰۰ کیلومتر مرز مشترک دارد.^۱

ساکنان اصلی این منطقه عموماً به زبان اویغوری^۲ تکلم کرده و پیرو آیین اسلام

۱. کتاب سفید منتشره از سوی دولت چین بیرامون منطقه سین کیانگ، ۲۶ می ۲۰۰۳.
۲. زبان اویغوری یکی از شاخه‌های زبان‌های ترکی است که در غرب چین و در استان خودمختار سین کیانگ، زبان ساکنان بومی این منطقه است. حروف و الفبای این زبان همان حروف و الفبای فارسی با کمی تغییر در بعضی از حروف است و ۳۵ درصد لغات و کلمات آن از زبان فارسی به عاریت گرفته شده است که اغلب به همان معنای فارسی خود و در برخی از کلمات در معنایی غیر از معنی اصلی به کار برده می‌شود. در حالی که الفبای تمام شاخه‌های زبان ترکی در سراسر جهان تغییر کرده است، زبان اویغوری تنها زبان ترکی در جهان امروز است که الفبای فارسی و عربی خود را حفظ کرده است. البته برای مدت کوتاهی (حدود ده سال)، در اوایل تشکیل جمهوری خلق چین، الفبای زبان اویغوری نیز به حروف لاتینی تغییر یافت، ولی مجدداً بنا به دلایل سیاسی و امنیتی و جداسازی ترکان اویغورزبان از بقیه ترک‌زبانان تحت سیطره اتحاد ←

هستند.^۳ در واقع، این منطقه منتهالیه حوزه فرهنگ ایرانی در شرق محسوب شده و در طول تاریخ از نظر سیاسی دستخوش تحولات و دگرگونی‌های بسیار بوده است. گاهی، نوعی حکومت ایرانی بر این سرزمین حاکم بوده و در برهه‌ای تحت حاکمیت خانات آسیای مرکزی اداره می‌شده است. در دوره‌ای از تاریخ، حکومت‌های مستقل منطقه‌ای داشته و حاکمیت مغولان، تیموریان و چینی‌ها را در نوبت‌های متوالی بر خود دیده است. چینی‌ها همواره داعیه مالکیت بر این سرزمین را داشته و آن را منتهالیه مرزهای غربی خود خوانده‌اند. اویغوری‌ها نیز در دوران‌های مختلف آن را سرزمینی مستقل به حساب آورده و هنوز هم برخی از گروه‌های جدایی‌طلب داعیه استقلال آن را دارند.

در زمینه اعتقادی نیز ساکنان این منطقه، مراحل مختلفی را پشت سر گذاشته و از شمنیسم عبور کرده‌اند. در ادوار مختلف ادیانی همچون زرتشتی، مانوی و بودایی پیروانی یافتند و از حدود هزار سال قبل، نور اسلام بر این سرزمین تأیید و هم‌اکنون نیز دین اکثریت ساکنان این منطقه محسوب می‌شود. از نظر گویش نیز، ساکنان این منطقه با دگرگونی‌های متعددی مواجه شده‌اند؛ زمانی به زبان ایرانی شرقی و سغدی و زمانی به زبان ترکی مغولی و جغتایی تکلم کردند و از بیش از هزار سال پیش تاکنون نیز زبان آنان اویغوری است و اخیراً هم با تلاش حکومت مرکزی چین، با استفاده از تمهیدات گوناگون، زبان چینی در حال ترویج شدن به این منطقه است. اگرچه از نظر تنوع نژادی نیز اکثریت ساکنان این منطقه را اویغورها تشکیل می‌دهند، ولی اقلیت‌های نژادی دیگری همچون تاجیک، ازبک، قزاق، مغول، هوی، تاتار، روس و جمعیت انبوهی از نژاد «هان» که در دهه‌های اخیر توسط دولت مرکزی جهت تغییر جغرافیای جمعیتی به منطقه کوچانده شده‌اند، در آن جا سکنانگزیده‌اند. منطقه سین کیانگ از نظر جغرافیای طبیعی، گذشته‌های تاریخی، زبان، فرهنگ، مذهب و حتی شکل و قیافه ظاهری مردم، هیچ‌گونه قرابت و شباهتی با سرزمین چین ندارد، ولی در عین حال در یک قرن گذشته، از سوی دولت چین برای چینی کردن این منطقه تلاش‌های فوق‌العاده‌ای صورت گرفته که رساندن نرخ جمعیت «هان» نژاد آن از بیست درصد در نیمه قرن بیستم به حدود پنجاه درصد در اوایل قرن بیست و یکم، یکی از این تلاش‌ها به حساب می‌آید. در حال حاضر جمعیت ساکن در این منطقه بالغ بر بیست میلیون نفر است که حدود

→ جماهیر شوروی سابق، به حروف اصلی بازگردانده شد.

۳. کتاب سفید منتشره از سوی دولت چین پیرامون منطقه سین کیانگ، ۲۶ می ۲۰۰۳.

۵۱ درصد آن از نژاد اویغور و سایر نژادهای اقلیت و بقیه از نژاد «هان» می‌باشند.^۴ منطقه سین کیانگ اگرچه از نظر طبیعی به دلیل وجود شن‌زارها و صحراهای خشک متعدد و بزرگی همچون صحرای گبی^۵، کویر تکلمکان^۶ و زمین‌های لم‌یزرع فراوان، بیشتر سرزمین کویری به حساب می‌آید، ولی از نظر معادن زیرزمینی، منطقه‌ای غنی است که بخش عمده معادن نفت و گاز چین در این منطقه واقع شده و دولت برای اکتشاف معادن منطقه، اخیراً سرمایه‌گذاری‌های کلانی انجام داده است.^۷

تنوع فرهنگی، نژادی، طبیعی، تاریخی و مذهبی موجود در منطقه، از آن محیطی زیبا و دلپذیر ساخته که هر بیننده را به خود جذب کرده و جلوه‌های زیبایی از طبیعت و اقوام گوناگون را به وجود آورده است. تکثر فرهنگی و تنوع قومی و نژادی سین کیانگ، ریشه در عبور جاده تاریخی ابریشم از این منطقه دارد. عبور کاروان‌های متعدد تجاری و رفت و آمد گسترده هیأت‌های فرهنگی - تبلیغی از این منطقه که به منزله پنجره ورود به سرزمین چین محسوب می‌شود، سبب شکل‌گیری فرهنگ‌ها، ریشه دواندن مذاهب گوناگون و سکونت اقوام و نژادهای مختلف در آن گردیده است. هر آنچه از مناطق غربی چین به این سرزمین وارد شده و آنچه که از چین به سایر مناطق راه یافته است، بیشتر از گذرگاه‌های عبوری منطقه سین کیانگ صورت گرفته و این مبادلات منطقه را متأثر ساخته و بر زیبایی‌ها و تنوع فرهنگی آن افزوده است.

جایگاه تاریخی زبان و ادبیات فارسی در منطقه سین کیانگ

براساس اسناد و مدارک تاریخی، منطقه سین کیانگ پیش از سکونت مهاجران مغول و اقوام ترک، سرزمینی ایرانی بوده که اقوام و قبایل ایرانی همچون سکاها، سغدها و... با گویش زبان‌های شرق ایران در آن به سر می‌بردند.^۸ در کتب تاریخی از سکونت شاخه‌هایی از اقوام آریایی در منطقه سین کیانگ نام برده شده که برخی از آنان دارای حکومت‌های محلی نیز بوده‌اند که رواج زبان سغدی از آثار ماندگار فرهنگ ایرانی قدیم در منطقه به

۴. همان.

5. Gobi

6. Taklimakan

۷. کتاب سفید منتشره از سوی دولت چین پیرامون منطقه سین کیانگ، ۲۶ می ۲۰۰۳

۸. سعدالله، ضمیر، جایگاه ادبیات فارسی در سین کیانگ.

شمار می‌آید. عبور جاده ابریشم نیز از این منطقه موجب گردید که نژادهای گوناگونی با فرهنگ‌های مختلف در آن ساکن شوند و همزیستی مسالمت آمیزی داشته باشند که تجمع فرهنگ‌های متنوع آسیایی بر غنای فرهنگی آن افزوده و در این بین زبان و فرهنگ ایرانی به دلیل قدمت و گسترده‌گی حرف اول را می‌زده است. در قرن نهم (۸۴۰ م)، به علت بروز قحطی و خشکسالی و بحران اجتماعی در فلات مغولستان، تعداد زیادی از مغول‌ها از محل سکونت خود مهاجرت کردند و به سرزمین سین کیانگ وارد شدند که از اختلاط مهاجران و سایر اقوام ترک با ساکنان بومی (سکاها - آریایی‌ها)، نژاد جدیدی به وجود آمد که بعدها به اویغورها معروف شدند.^۹ در اثر افزایش تعداد ماجران، جمعیت قبایل آریایی و ایرانی که به زبان‌های شرق ایران صحبت می‌کردند، رو به کاهش گذاشت و کم‌کم در جمعیت غالب ذوب شدند.

براساس اسناد منتشره از سوی گروه تحقیقاتی پروسن^{۱۰} که در اوایل قرن بیستم چهاربار به اکتشافات باستانی قدیمی در شهر قدیمی گائو چانگ^{۱۱} در منطقه تورفان پرداخته‌اند، از سه گروه بزرگ مهاجر فارسی‌زبان که در قرن هشتم میلادی در منطقه سین کیانگ می‌زیسته‌اند، نام برده شده است:

۱. فارس‌ها که در این اسناد از آنان تحت عنوان Parrig نام برده شده است.

۲. پارت‌ها که در اسناد تورفان Pan Lavaning خوانده شده‌اند.

۳. سغدی‌ها که به نام Sog Dag نامیده شده‌اند.^{۱۲}

همچنین آثار کشف شده از شهر باستانی مالیکوات Malikwat، حاکی است که یک قوم ایرانی ساکن در این منطقه، حکومتی به نام یوتیان Yu Tian را تشکیل داده و بیش از یکصد سال در این منطقه حکومت کرده‌اند.^{۱۳} براساس اظهارات آقای دکتر ضمیر سعدالله‌زاده، محقق آکادمی علوم اجتماعی سین کیانگ که خود از نژاد تاجیک است، هنوز هم در منطقه‌ای بین یارکند و خُتن، گروهی از بازماندگان اقوام ایرانی سکونت دارند که از نظر فرهنگ و گویش زبانی بسیار به اقوام قدیمی شرق ایران شباهت دارند و لازم است که

۹. همان.

10. Preussn

11. Gao Chang

۱۲. سلیمان، اسد، «مروری بر چگونگی مبادلات ادبی بین ادبیات فارسی و اویغوری»، مجله پژوهش‌های ادبیات ملی، ش ۳، ۲۰۰۱.

13. Zhang Yu Liang, *The Mystical Tarim*, 1997.

در این زمینه تحقیقات میدانی صورت گیرد.^{۱۴} نقاشی‌ها و آثار کشف شده از قبرستان باستانی شهرگائو چانگ و اجساد مومیایی کشف شده از واحه‌های حوزه رودخانه تاریم که هم‌اکنون در موزه تاریخی شهر ارومچی مرکز سین کیانگ نگهداری می‌شود، و همچنین سکه‌های فراوان دوره‌های مختلف ساسانی که از این منطقه کشف شده نیز مؤید سکونت قبایل ایرانی و حاکمیت فرهنگ ایرانی در این منطقه است.^{۱۵}

آثار برجای مانده از آیین مانوی و زرتشتی در منطقه سین کیانگ به ویژه در غار هزار بودای تورفان^{۱۶} و غار دون هوان،^{۱۷} دلیل دیگری بر حضور مستقیم فرهنگ ایرانی در این منطقه است.

گسترش زبان فارسی در منطقه سین کیانگ در قرن نهم میلادی

در اواخر قرن نهم و اوایل قرن دهم میلادی و همزمان با حاکمیت سلسله سامانیان (۸۴۰-۹۹۹)، اسلام در منطقه سین کیانگ گسترش یافت و مردم اویغورزبان به آیین اسلام گرویدند. با توجه به اینکه در دوران سامانیان زبان فارسی در آسیای مرکزی رواج یافته بود، به عنوان بستری برای گسترش اسلام در منطقه مورد استفاده قرار گرفت و مجدداً فارسی جدید (دری) رونق یافت.^{۱۸} تازه مسلمانان اویغور نیز از طریق زبان فارسی با احکام شرعی و اعتقادات اسلامی به ویژه فرهنگ تصوف که فرهنگ غالب بین مسلمانان آسیای مرکزی بود، آشنا شدند. همبستگی بین آیین جدید و زبان فارسی موجب گردید که تازه مسلمانان بویژه فرهیختگان و بزرگان منطقه همزمان با آشنایی با اعتقادات دینی، زبان فارسی را نیز فراگیرند و ادبیات غنی عرفانی زبان فارسی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار گردد. در میان آثار کشف شده از شهر قدیمی گائو چانگ در نزدیکی تورفان، نامه یک تاجر سین کیانگی که به زبان فارسی برای خانواده‌اش نوشته بود نیز کشف شده است که نشان می‌دهد در قرن دهم، زبان فارسی در منطقه بویژه در میان علما و مراکز علمی آموزشی و مدارس دینی مورد استفاده بوده است.^{۱۹} نفوذ زبان و ادبیات فارسی را می‌توان در

۱۴. مصاحبه و گفت‌وگوی حضوری، سال ۲۰۰۳.

۱۵. مشاهده حضوری، سال ۲۰۰۳.

16. Kizil

17. Dun Huang

۱۸. سعده، ضمیر، جایگاه ادبیات فارسی در سین کیانگ.

۱۹. همان.

کتاب‌های دیوان لغات‌الترک محمود کاشغری و دانش خوشبختی یوسف خاص حاجب که در دوران دودمان قاراخان نوشته شده‌اند، به خوبی مشاهده کرد. همچنین از سبک و سیاق کتاب غوناد قوبلیک، که مهمترین اثر کلاسیک ادبیات اویغوری است، می‌توان نتیجه گرفت که نویسنده آن کتاب، یوسف خاص حاجب عمیقاً تحت تأثیر شاهنامه قرار گرفته و در تألیف کتاب خود از آن تقلید کرده است.^{۲۰} تأثیر و نفوذ ادبیات فارسی در کتاب دروازه‌های حقیقت و سایر آثار ادبی و هنری مشابه نیز آشکارا به چشم می‌خورد.

محمود کاشغری اندیشمند قرن یازدهم اویغور در دیوان لغات‌الترک خود ضمن تشریح واژه «تات»^{۲۱} می‌گوید: «به نظر ترک‌ها منظور از تات انسانی است که به زبان فارسی حرف می‌زند.» و در یک ضرب‌المثل ترکی آمده است که: «بدون تات، ترکی وجود ندارد همچنانکه بدون سرکلاهی نخواهد بود.»؛ یعنی بدون زبان و ادبیات فارسی، زبان و ادبیات ترکی هم وجود نخواهد داشت.^{۲۲} از گفته محمود کاشغری و ضرب‌المثل فوق رابطه بین دو ملت فارس و ترک و ادبیات آنان را به خوبی می‌توان درک کرد.

در بخشی از کتاب دانش خوشبختی یوسف خاص حاجب آمده است:

هر چند من مانند قیصر و کسری قدر تمیندم

و مانند آدم و حوا بهشت بشر را خلق می‌کنم

هر چند من مانند اسکندر جهان را فتح می‌کنم

و همچون نوح هزار سال زنده می‌مانم

هر چند مانند حیدر شجاعت به خرج می‌دهم

و همچون رستم شجاعت جهانی دارم

اگرچه من همچون عیسی به آسمان عروج می‌کنم

و مانند انوشیروان عدالت می‌کنم^{۲۳}

...

در این ابیات اغلب قهرمانان مورد استفاده نویسنده، همان قهرمانان ادبیات فارسی

۲۰. همان.

21. Tat

۲۲. سلیمان، اسد، «مروری بر چگونگی مبادلات ادبی بین ادبیات فارسی و اویغوری»، مجله پژوهش‌های ادبیات ملی، ش ۳، ۲۰۰۱.

۲۳. همان.

هستند که در جای جای کتاب از آنان نامبرده شده است.

در دوران سلطنت قراخان، اولین حاکم مسلمان منطقه سین کیانگ، مدارس دینی در سراسر منطقه گسترش یافت که تعداد آنان بالغ بر ۲۲۶۳ باب بود و در تمامی این مدارس تدریس و آموزش زبان فارسی از دروس اصلی به حساب می‌آمد و در همین ایام بود که به منطقه خاش «بخارای دوم» می‌گفتند.^{۲۴} از قرن یازدهم تا قرن پانزدهم زبان و ادبیات فارسی در ترکستان شرقی روز به روز توسعه یافت و در نتیجه، به تأثیرگذاری زبان عربی به عنوان زبان دینی در مشرق زمین خاتمه داد و مستقیماً با زبان ترکی که زبان اصلی ساکنان منطقه بود، رقابت می‌کرد. آموختن زبان فارسی در مدارس و مراکز آموزشی سین کیانگ به نوعی مهارت و دانش تبدیل شده بود که یادگیری آن برای فرهیختگان ضرورتی اجتناب‌ناپذیر گردید، و این روند تا قرن بیستم همچنان ادامه داشت. حتی در مدارس جدیدی که در اواخر قرن نوزدهم (۱۸۸۵) با حمایت و هدایت برادران حسین تحت نام مدارس «حسینی» تأسیس و راه‌اندازی شد نیز هر هفته آموزش زبان فارسی جزء دروس اجباری بود و این روند جسته و گریخته تا سال ۱۹۵۰ در منطقه پایدار بود.^{۲۵}

فراگیران زبان فارسی تنها به آموختن این زبان نمی‌پرداختند، بلکه ادبیات کلاسیک، نظم و نثر و حتی خوشنویسی زبان فارسی را می‌آموختند. به همین دلیل است که اکثر آثار مهم ادبیات کلاسیک هم مستقیماً از زبان فارسی به زبان اویغوری ترجمه شده‌اند و نیز توسط ادبا و شعرای منطقه به تقلید از آنان و به همان سبک و سیاق، کتاب‌های ادبی و عرفانی و تاریخی تألیف کرده‌اند که تأثیرپذیری آنان از آثار زبان و ادبیات فارسی به وضوح مشخص است که در این جا به پاره‌ای از این آثار اشاره می‌شود.

آثار ادبی تألیفی به زبان اویغوری همچون داستان‌های یوسف به قلم شخصی به نام علی در قرن سیزدهم، خسرو و شیرین به قلم قطبی در قرن چهاردهم، یوسف و زلیخا به قلم دربک در قرن چهاردهم و ترجمه کتاب‌هایی همچون مسند بادنامه، گلستان، بوستان، ظفرنامه و منطق الطیر و سرودن اشعار دو زبانه فارسی و ترکی توسط افرادی چون ابن محمد کاشغری، ابن هاشم، باریچداق، مولانا لطفی (۱۳۶۶-۱۴۶۵)، سرفی سرایبی (قرن چهاردهم) و احمد حق بیگ (قرن پانزدهم) و دیگران نمونه‌های بارزی از تأثیرگذاری زبان و ادبیات فارسی در زبان و ادبیات اویغوری است.^{۲۶}

۲۴. عثمان، رقیه، «آموزش زبان فارسی در سین کیانگ»، مجله علمی دانشگاه سین کیانگ، ش ۲، ۱۹۸۹.

۲۵. همان.

۲۶. سعدالله، ضمیر، جایگاه ادبیات فارسی در سین کیانگ.

پس از قرن پانزدهم، ترجمه آثار ادبیات فارسی به زبان اویغوری در سین کیانگ به سرعت اوج گرفت و از قرن پانزدهم تا نوزدهم اکثر آثار ادبی فارسی توسط ادبا و مترجمان اویغور به زبان محلی ترجمه و نشر یافت که این ترجمه‌ها علاوه بر فراهم کردن زمینه آشنایی هرچه بیشتر مردم منطقه با زبان و ادبیات فارسی، تأثیر بسزایی در توسعه و تکامل و غنی شدن زبان و ادبیات اویغوری داشت. در این دوران مترجمان از یک سو، آثار ادبیات فارسی را به اویغوری ترجمه کردند و از سویی دیگر فرهنگ و تاریخ منطقه را به جوامعی که به زبان شرق ایرانی تکلم می‌کردند شناساندند و آنها را به زبان فارسی برگرداندند. برخی دیگر از اندیشمندان و شاعران نیز مطالب خود را به فارسی می‌نگاشتند. افرادی همچون: سیدی (۱۴۹۹-۱۵۵۴)، رشید (۱۵۱۴-۱۶۷۸)، زلیخا بیگم (?-۱۶۰۸)، میرزا حیدر (۱۴۹۹-۱۵۵۴)، که اغلب آثار خود را به فارسی خلق می‌کردند.

حتی در دوران‌های متأخر نیز افرادی همچون تاجری (۱۸۵۶-۱۹۲۵) و نیز احمد ضیایی (۱۹۱۳-۱۹۸۹) که در سال ۱۹۳۶ شعر خود را تحت عنوان «گل و مرغ چکاوک» در شهر خاش به زبان فارسی سرود، همچنان به این روند ادامه دادند.^{۲۷}

در سال ۱۶۸۷، ملاشاه هرجان، نیمه نخست شاهنامه را برای اولین بار به صورت نثر به زبان اویغوری ترجمه کرد و کار را ملاخاموش آخوند در سال ۱۷۹۱ با ترجمه نیمه دوم آن به پایان رساند و تکمیل کرد. در سال ۱۸۳۶ شخص دیگری به نام شاه محمد بن حاج نظام‌الدین، مجدداً متن کامل شاهنامه را به صورت نثر از زبان فارسی به اویغوری برگرداند و نام آن را شاهنامه زبان ترکی نهاد.^{۲۸}

در سال ۱۷۸۷، محمد صادق رشیدی قابوسنامه را و در سال ۱۷۱۷، ملامحمد تیمور بنا به دستور بگام محمد کلیه و دمنه و در سال ۱۸۰۰، حاج یعقوب پارکندی چهار درویش امیر خسرو را و در سال ۱۸۸۷، آخوند حلیم‌الدین بهار دانش شیخ عنایت‌الله را از زبان فارسی به زبان اویغوری برگرداندند^{۲۹} و ده‌ها مؤلف و مترجم دیگر نیز تعداد زیادی از آثار فارسی را به اویغوری ترجمه و یا مشابه آن را به اویغوری خلق کرده‌اند. این نوع مبادلات و تأثیرگذاری زبان و ادبیات فارسی در زبان و ادبیات اویغور به حدی بوده که رابطه

۲۷. سلیمان، اسد، «مروری بر چگونگی مبادلات ادبی بین ادبیات فارسی و اویغوری»، مجله پژوهش‌های

ادبیات ملی، ش ۳، ۲۰۰۱.

۲۸. همان.

۲۹. همان.

تنگاتنگی بین آنها برقرار کرده است، در نتیجه برای محققان و پژوهشگران زبان و ادبیات او یغور انجام هر پژوهشی را بدون در نظر گرفتن زبان و ادبیات فارسی، ناقص و غیر ممکن ساخته است.

پس از قرن چهاردهم و به دنبال لشگرکشی‌های چنگیز، اوضاع سیاسی منطقه سین کیانگ متشنج و ناآرام شد و تداوم ستیزه بین نسل‌های بعدی او برای کسب قدرت، حیات فرهنگی منطقه را دچار بحران کرد، ولی به تدریج سین کیانگ روابط سیاسی خود را با آسیای مرکزی گسترش داد. در دوران حکومت جغتای، پسر چنگیز، زبان ترکی با زبان‌های عربی و فارسی درهم آمیخت و زبان جدیدی به نام زبان «جغتایی» به وجود آمد. در آن دوران آثار فراوانی به این زبان خلق شد که در آن زبان هم تأثیر غیر قابل انکار زبان فارسی به چشم می‌خورد، ولی در همین دوران نیز آثار و اشعار فراوانی به زبان فارسی تألیف شد. علی شیرنویبی در کتاب معروف خود به نام مجالس النفایس، از ۳۵۵ شاعر ترک نام می‌برد که بین قرن‌های چهاردهم و پانزدهم می‌زیسته‌اند که از این میان تنها سی نفر به زبان ترکی شعر سروده‌اند و بقیه همگی به زبان فارسی شعر می‌گفته‌اند.^{۳۰}

در قرن‌های شانزدهم و هفدهم (۱۵۱۴-۱۶۷۸)، منطقه یارکند در وادی زرافشان در سین کیانگ تأسیس و اوضاع سیاسی - اجتماعی و اقتصادی منطقه تثبیت شد و رو به رشد نهاد. وضعیت فرهنگی منطقه نیز همزمان توسعه یافت و با ورود تعدادی از مسلمانان از کشمیر و گلگیت که آنها نیز به زبان فارسی تکلم می‌کردند، موقعیت زبان فارسی مستحکم‌تر شده و نویسندگان بیشتری آثار خود را به زبان فارسی به وجود آوردند که اندیشمندانی همچون خالق، حنیفی، خراباتی، آخوند ملاخوجه، ملا فاضل شاه خوجه و شاعره‌هایی همچون نفیسی و زلیخا بیگم از جمله این شخصیت‌ها محسوب می‌شدند.^{۳۱}

در طول این دوران علاوه بر آثار ادبی که به فارسی تألیف شدند، تعدادی از مورخان همچون محمد جورس (۱۶۲۹-۱۶۹۶)، میرزا حیدر قل (۱۵۰۰-۱۵۵۱)، کتاب‌های تاریخی مهمی همچون تاریخ راشدی، منتخبات تاریخ و تواریخ را به زبان فارسی نوشتند.^{۳۲} از اواخر قرن هفدهم تا اواسط قرن هجدهم که مجدداً اوضاع سیاسی، فرهنگی و اقتصادی منطقه به خاطر درگیری‌های مختلف بحرانی شد، نه تنها در خلق آثار فرهنگی و

۳۰. سعدالله، ضمیر، جایگاه ادبیات فارسی در سین کیانگ.

۳۱. همان.

۳۲. همان.

ادبی به زبان فارسی وقفه‌ای ایجاد نشد، بلکه آثار جدیدی به آنان افزوده و تعدادی از آثار گذشتگان نیز اصلاح و ویرایش شد. شعرای معتبری که در این ایام به دو زبان ترکی و فارسی شعر می‌سرودند عبارتند از: مخزوم، سوسن والی، نباتی و شعرایی که فقط به زبان فارسی شعر می‌سرودند عبارتند از: مؤمن یارکندی، محمد رحیم کاشغری، محمد صدیق مسکین، ملا عزیزی، محمد امین صادر کاشغری و شعرای زن همچون بی‌بی مخزوم عزیز، زلفیا کاشغری.^{۳۳} و در همین ایام بود که کتاب‌های تاریخی همچون تذکرهٔ عزیزان، تذکرهٔ عبدالمنان و نسب‌نامهٔ سلیم شیخ بغراخان به زبان فارسی نگاشته شد و آثاری همچون مجموعهٔ المحققین، قصص الانبیا و روضة الصفاء که قبلاً نوشته شده بود، مجدداً توسط محققان اصلاح و ویرایش و بار دیگر ترجمه شد.^{۳۴} البته بعضی از شخصیت‌های ادبی و عرفانی اویغور نیز در تکمیل و تکوین برخی از شخصیت‌های ادبی و عرفانی ایران تأثیر بسزایی داشته‌اند که به عنوان نمونه می‌توان از سعدالدین کاشغری دانشمند فرهیخته‌ای که به علت درگیری‌های منطقه‌ای از کاشغر فرار کرده و پس از دوره‌گردی در آسیای میانه سرانجام معلم عبدالرحمن جامی می‌شود، نام برد که در کتاب تاریخچهٔ تصوف و پیشگویان و اندیشمندان صوفی جامی، طریقت سعدالدین کاشغری هم معرفی شده است.

همچنین برخی از ادبای زبان و ادبیات اویغور با استفاده از آثار و مضامین اندیشمندان ایرانی، برخی از داستان‌ها و افسانه‌های متعلق به زبان و ادبیات فارسی را بازنویسی کرده و بعضاً تحت عنوان‌های مشابه، ولی با کمی تغییر و اضافه کردن، آثار جدیدی خلق کرده‌اند که از جمله این آثار و شخصیت‌ها می‌توان از لیلی و مجنون نظری، بهرام و دل آرام ادیبی، اسکندرنامه آخوند زاید بابی، غار هزار بودا و فرهاد و شیرین نیم سید، که همگی اویغور و آثارشان نیز به اویغوری نوشته شده است، نام برد.^{۳۵} حتی برخی از آثار در زمان حیات خود شاعران ایرانی و یا اندکی پس از فوت ایشان در منطقه رواج یافته و یا ترجمه شده و یا منشأ خلق آثاری مشابه به زبان اویغوری شده است. افرادی همچون شیخ اجل سعدی که خود به کاشغر نیز سفر کرده است، از زمان حیاتش تا کنون مورد توجه مردم و ادبای اویغوری بوده و بیست و پنج سال پس از وفات حافظ شیرازی، شخصی به نام عبدالرحیم حافظ بیش از

۳۳. سلیمان، اسد، «مروری بر چگونگی مبادلات ادبی بین ادبیات فارسی و اویغوری»، مجله پژوهش‌های

ادبیات ملی، ش ۳، ۲۰۰۱.

۳۴. همان.

۳۵. همان.

هزار بیت غزل به زبان جغتایی و به سبک غزل‌های حافظ می‌سراید که این آثار تحت تأثیر مستقیم و متأثر از اشعار حافظ سروده شده است.

عبدالرحیم حافظ خود می‌گوید: در سرودن این غزل‌ها وارث فکر و فنون شعری و احساسات درونی حافظ بوده و در یکی از اشعارش می‌گوید:

حافظی که به زبان فارسی شعر می‌سرود،

دیگر از جهان درگذشته است،

حافظ امروز را ببین،

که به ترکی شعر می‌سراید.^{۳۶}

و یا شاعرانی همچون یرچانگ سعید، سلطان سعیدخان، عبدالله حیدرخان، قدیرخان یرچانگ و میرزا حیدر در سرودن اشعار فارسی و جغتایی از سبک و غزل‌های حافظ به کرات استفاده کرده‌اند. حتی در دوران سلطه سعیدخان، اشعار حافظ بین مردم نیز متداول بود و غزل‌های او در مساجد و مدارس دینی مرتب خوانده می‌شد.

خانم زلیخا بیگم شاعره مشهور قرن شانزدهم با نهایت استادی و هنرمندی غزلیات حافظ را با همان سبک و وزن و قافیه به اویغوری ترجمه کرده است. این روند در چند سده اخیر همچنان ادامه داشته و هیچوقت از یادها نرفته است.^{۳۷}

مورد دیگری از شاهکاری‌های ادبیات فارسی که به شدت مورد استقبال مردم این منطقه قرار گرفته و ضمن استفاده از آن موجب ایجاد سبک خاصی در آثار اویغوری شده است، خمسه نظامی گنجوی است. از قرن پانزدهم تا نیمه قرن نوزدهم، بیش از یکصد شاعر و ادیب اویغوری و ترک تحت تأثیر خمسه نظامی گنجوی اقدام به خلق آثاری تحت نام خمسه نموده‌اند که این امر نشانگر تأثیر عمیق این شاهکار زبان و ادبیات فارسی در منطقه وسیعی از استان اویغورنشین سین کیانگ است. باتور آرسیدنف^{۳۸} دانشمند اویغور قزاقستان می‌گوید: «پدیده خمسه یک نهضت فراگیری در ادبیات شرق به وجود آورد، این اثر دایرة‌المعارف بزرگ و پر دامنه و گنجینه‌ای از دانش و هنر است».^{۳۹}

۳۶. مجله بولاق، ش ۴، ۱۹۹۰، ص ۴۴.

۳۷. همان.

38. Ersidinof Batur

۳۹. سلیمان، اسد، «پدیده «خمسه» در ادبیات فارسی قرون میانه»، مجله تفسیر ادبیات خارجی، ش ۳،

۲۰۰۳.

عبدالرحیم نظار، شاعر قرن نوزدهم اویغور به تقلید از خمسه دو اثر طولانی تحت عنوان فرهاد و شیرین و لیلی و مجنون به صورت مثنوی به وجود آورد. همچنین در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم قربان‌علی هالیدی، مورخ تاتاری که در شهر تاجنگ^{۴۰} سین کیانگ زندگی می‌کرد، تحت تأثیر خمسه کتاب تواریخ خمسه شرقی را تألیف کرد که در سال ۱۹۱۰ در شهر قازان روسیه به تاتاری به چاپ رسید و در آن پنج حادثه مهم تاریخی منطقه سین کیانگ شامل قیام مردمی ناحیه ایللی، تاریخ مختصر قزاق‌ها، قیام و شورش شهر تاجنگ، قیام عمومی منطقه جنوب سین کیانگ و تاریخ کشور فرگناخان بیان شده است.^{۴۱}

وضعیت کنونی زبان و ادبیات فارسی در سین کیانگ

اگر چه یادگیری زبان فارسی و آشنایی با فرهنگ ایران و ایجاد ارتباط با مراکز علمی- فرهنگی ایران در منطقه علاقه‌مندان بسیاری دارد، ولی در حال حاضر آموزش زبان و ادبیات فارسی با همه سوابق درخشان و تأثیرگذاری در طول تاریخ، بنا به دلایلی در این منطقه وضعیت خیلی مناسبی ندارد.

۱. تلاش دولت مرکزی چین برای فاصله انداختن بین نسل جوان و جدید اویغور با گذشته فرهنگی، ادبی و تاریخی خود و جایگزین ساختن فرهنگ و زبان چینی از طریق مؤسسات آموزشی از سطوح ابتدایی تا آموزش عالی و سپردن مسؤلیت اغلب مراکز علمی- آموزشی منطقه به چینی‌های غیر اویغور. (اگرچه آموزش در منطقه سین کیانگ به طور رسمی به زبان اویغوری است، ولی فرصت‌های شغلی و مسؤلیت‌های دولتی محلی بیشتر در اختیار کسانی گذاشته می‌شود که به زبان چینی آموزش دیده‌اند و اغلب تحقیق‌ها و پژوهش‌های مهمی که در این منطقه به زبان چینی صورت گرفته باشد، بیشتر مورد تأیید و حمایت دولت مرکزی و مؤسسات ملی است تا آنها که به زبان اویغوری نوشته می‌شوند).
۲. تسلط بی چون و چرای رسانه‌های عمومی از قبیل رادیو، تلویزیون، روزنامه‌ها و مجلات و انتشار اغلب کتاب‌ها به زبان چینی. (اگر چه هنوز بخشی مهمی از کتب و نشریات منطقه به زبان اویغوری منتشر می‌شود).
۳. نبود استاد، کلاس و امکانات آموزشی برای فارسی آموزان و علاقه‌مندان به زبان و

40. Tacheng

۴۱. سلطان، بیگ، تأثیر منظومه حماسی «شاهنامه» در ادبیات قزاق، تاریخ ادبیات قزاق چین، اداره نشریات خلق سین کیانگ، سیا، ۱۹۹۶.

ادبیات فارسی و عدم حمایت دانشگاه‌ها از برگزاری کلاس‌های آموزش زبان فارسی (تنها یک استاد بومی به نام آقای دکتر ضمیر سعدالله‌زاده که از دانشگاه دوشنبه در تاجیکستان فارغ‌التحصیل شده است، به عنوان استاد زبان فارسی در این منطقه فعالیت می‌کند که به حکم یک دست صدا ندارد، قادر به پاسخگویی به همه نیازها در این زمینه نیست).

۴. اگرچه حدود چهل هزار نفر تاجیک زبان در منطقه تاشغورخان زندگی می‌کنند، ولی به دلیل دور افتادگی از جهان زبان و ادبیات فارسی و استفاده از زبان تاجیکی خاص که قابل فهم برای فارسی‌زبانان نیست، امروزه امکان استفاده از این جمعیت برای گسترش زبان فارسی میسر نیست.

۵. عدم توجه خاص ایران و مراکز علمی و آموزشی جمهوری اسلامی به این منطقه مهم به دلیل عدم آشنایی با زمینه‌های موجود و دور افتادگی منطقه از پکن، مرکز جمهوری خلق چین. (در سال ۱۳۸۳ با تلاش رایزنی فرهنگی ایران در پکن، هیئتی از دانشگاه شیراز به منطقه سفر کرده و قرارداد همکاری‌های علمی و آموزشی با دانشگاه سین کیانگ امضاء کردند که متأسفانه تاکنون هیچ کدام از بندهای آن از جمله اعطای بورس تحصیلی در مقطع دکترا به یکی از اساتید دانشگاه سین کیانگ عملی نشده است. قرار بود پس از فارغ‌التحصیلی وی، کرسی زبان فارسی در این دانشگاه دایر گردد.)^{۴۲}

ولی با همه مشکلات موجود و بی‌مهری‌های صورت گرفته به زبان و ادبیات فارسی در منطقه سین کیانگ و دوری اساتید و دانشجویان و علاقه‌مندان به این زبان از ایران، زمینه‌های بسیار مناسبی جهت احیا و گسترش زبان فارسی وجود دارد که به برخی موارد در زیر اشاره می‌شود:

۱. علاوه بر علاقه عموم مردم منطقه به ایران و زبان فارسی که به خاطر سوابق پرافتخار و پر رونق تاریخی و عشق و علاقه به مشترکات دینی، فرهنگی، مشتاق آشنایی هرچه بیشتر با فرهنگ و زبان ایرانی و دستاوردهای ایران معاصر پس از پیروزی انقلاب اسلامی هستند، در مراکز علمی - پژوهشی کلیه اساتید و دانشجویانی که در رشته‌های تاریخ، ادبیات، باستان‌شناسی، جغرافی و... به امر آموزش اشتغال دارند به دلیل ارتباط موضوع، به شرکت در کلاس‌های آموزش زبان و ادبیات فارسی علاقه دارند.^{۴۳}

۴۲. مشاهدات حضوری و گفت و گو با تعداد زیادی از اساتید و دانشجویان دانشگاه سین کیانگ از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۵.

۴۳. عثمان، رقیه، «آموزش زبان فارسی در سین کیانگ»، مجله علمی دانشگاه سین کیانگ، ش ۲، ۱۹۸۹.

۲. باتوجه به اینکه حدود ۳۵ درصد لغات و کلمات زبان اویغوری از زبان فارسی به عاریت گرفته شده است، یادگیری زبان فارسی برای تعلیم و تدریس زبان اویغوری نیز مفید است. در این رابطه، دانشگاه تربیت معلم سین کیانگ که یکی از مراکز آموزش عالی علاقه مند به همکاری با ایران جهت گسترش آموزش زبان فارسی است، تاکنون با همکاری رایزنی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در پکن، دو دوره کلاس زبان فارسی دایر کرده است، اما این کلاس‌ها پاسخگوی نیاز آنان نبوده و خواهان ارتباط مستقیم با یکی از دانشگاه‌های ایران جهت همکاری آکادمیک در این زمینه هستند.^{۴۴}

۳. باتوجه به آثار مکتوب فراوانی که در گذشته، در این منطقه به زبان فارسی تألیف شده، هم اکنون ده‌ها هزار نسخه کتب و اسناد خطی فارسی در مراکز دولتی و یا منازل شخصی نگهداری می‌شود که به دلیل نبود کارشناس، امکانات و یا عدم آشنایی نسل‌های کنونی با این متون، یا بلا استفاده مانده و یا در حال نابودی‌اند. وجود این ذخایر عظیم فرهنگی - تاریخی مشترک، زمینه مناسب دیگری برای گسترش همکاری بین دو دولت و مراکز علمی - فرهنگی دو کشور است که می‌باید برای حفظ و نگهداری و فهرست نویسی و احیاناً تصحیح و چاپ و ترجمه آنها همت گماشت. اینجانب در سفری که به کاشغر داشتم، در مغازه‌های اطراف مسجد جامع عیدگاه کاشغر، شاهد عرضه صدها جلد نسخ فارسی بودم که برای فروش به توریست‌های خارجی روی هم انباشته شده بودند و به این ترتیب آثاری با ارزش توسط خریداران خارجی از منطقه خارج می‌شدند و بقیه نیز در حال از بین رفتن بودند.^{۴۵}

۴. باتوجه به فقر و محرومیت اقتصادی منطقه، دولت محلی و دولت مرکزی از هرگونه همکاری‌های اقتصادی و سرمایه‌گذاری و مبادلات تجاری استقبال می‌کنند. اقتصاد و همکاری‌های اقتصادی بین ایران و سین کیانگ بویژه منطقه خراسان، علاوه بر منافع اقتصادی که برای هر دو طرف در پی خواهد داشت، می‌تواند زمینه مناسب دیگری برای همکاری‌های علمی، آموزشی، فرهنگی و هنری باشد. در حال حاضر بخشی از کالاهای چینی که به صورت قاچاق از طریق مرزهای شمالی وارد کشور می‌شود، از منطقه سین کیانگ و با عبور از آسیای مرکزی به ایران می‌رسد. چنانچه بتوان مبادلات تجاری مستقیم

۴۴. بازدید و ملاقات و گفت و گو با اساتید و رئیس دانشکده ادبیات دانشگاه تربیت معلم سین کیانگ در سال ۲۰۰۴.

۴۵. مشاهده حضوری در سفر به ارومچی، کاشغر و یارکند در سال ۲۰۰۴.

برقرار کرد، علاوه بر جلوگیری از قاچاق کالا و خروج ارز برای اجناس بنجل و نامناسب، همچون دوران جاده ابریشم می‌توان از این زمینه برای احیای میراث فرهنگی مشترک از جمله زبان و ادبیات فارسی هم بهره برد. البته قرارداد همکاری اقتصادی - فرهنگی بین استان سین کیانگ و خراسان، چندسال قبل به امضا رسیده، اما اقدام عملی در این خصوص صورت نگرفته است.

۵. برقراری خط مستقیم هوایی و همکاری دوکشور در زمینه جهانگردی و مبادله گردشگر زمینه دیگری است که می‌تواند نقش بسزایی برای احیای زبان فارسی در منطقه داشته باشد.

۶. آستان قدس رضوی و معاونت پژوهشی آن باتوجه به ابزارهای لازم علمی و مادی که در اختیار دارد نیز می‌تواند نقش خوبی در این زمینه ایفا کند.

ادبیات معاصر فارسی نیز زمینه دیگری است که با ترجمه و نشر آن به زبان اویغوری می‌توان سیر توالی حضور ادبیات فارسی در منطقه را احیا و از این طریق تأثیرگذاری لازم در زبان و نظم و نشر اویغوری را حفظ و همبستگی و وابستگی آن به زبان فارسی را افزایش داد. (باتوجه به علاقه اساتید منطقه به زبان و ادبیات فارسی در دهه‌های گذشته برخی از آثار ادبی معاصر فارسی نیز با واسطه زبان‌های دیگر به اویغوری ترجمه و منتشر شده است.)

فهرست آثار کلاسیک و معاصر فارسی ترجمه شده به زبان اویغوری در دو دهه آخر قرن بیستم^{۴۶}

خانم دکتر مهرای محمدعلی استاد رشته ادبیات اویغوری در دانشگاه سین کیانگ و از علاقه‌مندان به زبان و ادبیات فارسی، در مقاله‌ای تحت عنوان «آخرین وضعیت ترجمه ادبیات فارسی به زبان اویغوری و پژوهش‌های صورت گرفته در این زمینه در دو دهه آخر قرن بیستم در سین کیانگ» فهرست بلندی از بخشی از آثار ترجمه شده فارسی را که در دهه‌های اخیر منتشر شده است، ارائه کرده که در مجله پژوهش ادبیات ملی به شماره ۳ سال ۲۰۰۱ منتشر نموده است که خلاصه‌ای از آن جهت اطلاع در زیر می‌آید:

۴۶. محمدعلی، مهرای، «آخرین وضعیت ترجمه ادبیات فارسی به زبان اویغوری و پژوهش‌های صورت گرفته در این باره در سین کیانگ»، مجله پژوهش ادبیات ملی، ش ۳، ۲۰۰۱.

الف. آثار کلاسیک

۱. بوستان، سعدی، ترجمه قربان برات، اداره نشریات جوانان سین کیانگ، ۱۹۸۳.
۲. چهار درویش، امیر خسرو، ترجمه تحتی اییخان، اداره نشریات زبان اویغوری خاش، ۱۹۸۱.
۳. «داستان‌ها» برونی، انصاری، بورک، ش ۳، ۱۹۹۲.
۴. رباعیات، عمر خیام، ترجمه نور محمد ارکی، اداره نشریات زبان اویغوری خاش، ۱۹۸۱.
۵. «شاهنامه زبان ترکی»، بورک، ش ۱، ۱۹۹۲ و ش ۱ و ۴، ۱۹۹۹.
۶. قابوسنامه، عنصرالمعالی، ترجمه رحمت الله جاری، اداره نشریات خلق سین کیانگ، ۱۹۸۳.
۷. گلستان، سعدی، ترجمه رحمت الله جاری، اداره نشریات ملی، ۱۹۸۴.
۸. منتخبی از اشعار جامی، عبدالرحمن جامی، مترجم نامعلوم، بورک، ش ۱، ۱۹۹۱.
۹. منتخبی از اشعار نظامی، نظامی گنجوی، مترجم نامعلوم، بورک، ش ۱، ۱۹۹۱.
۱۰. «منتخبی از خسرو و شیرین» قطبی، بورک، ش ۳، ۱۹۹۴.
۱۱. منتخبی از دیوان حافظ، حافظ، مترجم اسرافیل یوسف، بورک، ش ۴، ۱۹۹۰.
۱۲. «منتخبی از رباعیات»، جلال‌الدین رومی، بورک، ش ۲، ۱۹۹۷.
۱۳. «منتخبی از سیاستنامه» نظام الملک، بورک، ش ۴، ۱۹۹۲.
۱۴. منتخبی از شاهنامه، فردوسی، ترجمه عبدالشکور محمد امین، اداره نشریات خلق سین کیانگ، ۱۹۹۹.
۱۵. منتخبی از مثنوی مولانا، مولانا جلال‌الدین، مترجم نامعلوم، بورک، ش ۳، ۱۹۹۱.

ب. آثار ادبی معاصر

۱. «آدم تنبل» داستان کوتاه، از خسرو شاهانی، ادبیات جهان، ش ۱، ۱۹۹۶.
۱۲. «اردک کمیاب» داستان کوتاه، از جمالزاده، ادبیات جهان، ش ۴، ۱۹۹۰.
۳. «به گرو دادن زن» داستان کوتاه، از فریدون، ادبیات جهان، ش ۵، ۱۹۸۸.
۴. «بی شرم» داستان کوتاه، از بزرگ علوی، ادبیات جهان، ش ۱، ۱۹۹۷.
۵. «پسر و دختر بدبخت» داستان کوتاه، از به آذین، ادبیات جهان، ش ۶، ۱۹۸۹.
۶. «تهران مخوف» داستان بلند، از مشفق کاظمی، ادبیات جهان، ش ۵، ۶، ۸، ۱۹۸۷ و

ش ۱-۳، ۱۹۸۸.

۷. «راهپیمایی طولانی» داستان کوتاه، از رسول پرویزی، ادبیات جهان، ش ۳، ۱۹۹۲.
۸. «رقص دیو» داستان کوتاه، از بزرگ علوی، ادبیات جهان، ش ۳، ۱۹۸۳.
۹. «زن عاقل و مرد چابک»، داستان فولکلوریک ایران، ادبیات جهان، ش ۱۵، ۱۹۸۹.
۱۰. «زن فاحشه» داستان کوتاه، از موحد دلمجانی، ادبیات جهان، ش ۶، ۱۹۸۶.
۱۱. «سکه نقره‌ای» داستان کوتاه، از موحد دلمجانی، ادبیات جهان، ش ۱، ۱۹۸۵.
۱۲. «شب برفی» داستان کوتاه، از صادق چوبک، ادبیات جهان، ش ۳، ۱۹۹۱.
۱۳. «قوش‌ها» داستان کوتاه، از صادق هدایت، ادبیات جهان، ش ۶، ۱۹۸۶.
۱۴. «گرداب» داستان کوتاه، از صادق هدایت، ادبیات جهان، ش ۴، ۱۹۸۲.
۱۵. «همراه» داستان کوتاه، از خسرو شاهانی، ادبیات جهان، ش ۱، ۱۹۸۴.

ج. فهرست مقالات علمی و پژوهشی در زمینه ادبیات فارسی

۱. «چین و ماچین در ادبیات کلاسیک اویغور، آسیای میانه و آسیای غربی»، قاسم عرشی، اسناد مرجع پژوهشی و علمی دانشگاه سین کیانگ، شماره ۴، ۱۹۸۱.
۲. «تحولات و تأثیر داستان فرهاد و شیرین در داستان‌های مردمی اویغور»، عبدالشکور محمدامین، ادبیات آق سو، ش ۱، ۱۹۸۲.
۳. عمر خیام و رباعیات و مقدمه کتاب عمر خیام، نورمحمد ارکی، اداره نشریات زبان اویغوری خاش، ۱۹۸۱.
۴. «تأثیر ادبیات عربی - فارسی در ادبیات کلاسیک اویغور»، داملا عبدالحمید یوسف، پژوهش‌های ادبیات ملی، ش ۲، ۱۹۸۵.
۵. «گلستان، دوران درخشانی از تاریخ ادبی فارس»، حسان محمود، مجله علمی دانشگاه تربیت معلم سین کیانگ، ش ۲، ۱۹۸۵.
۶. «نظام الملک و سیاستنامه»، شیرین قربان، روزنامه دانشگاه سین کیانگ، ش ۴، ۱۹۸۵.
۷. «حافظ شیرازی سالار شاعران شرق»، عبدالشکور محمدامین، بورک، ش ۲۰، ۱۹۸۷.
۸. «فردوسی و شاهنامه»، م. عثمانف و ش. شاه محمدف روسی، بورک، ش ۲۱، ۱۹۸۷.
۹. «رابطه بین ادبیات سغدی و ادبیات اویغوری»، ابلاجان محمد، مجله علمی دانشکده

تربیت معلم خاش، ش ۶، ۱۹۸۷.

۱۰. «امیر خسرو و آثار مردمی او»، عبدالشکور محمدامین، بورک، ش ۱، ۱۹۸۸.

۱۱. «تمدن آسیای میانه و تمدن یونان»، عبدالکریم رحمان، مجله علمی دانشگاه سین

کیانگ، ش ۱، ۱۹۸۸.

۱۲. «تحولات شعر بلند - یوسف و زلیخا - در ادبیات زبان ترکی»، کوراوغلو (از

شوروی سابق)، پژوهش‌های آسیای میانه (اویغوری)، ش ۱، ۱۹۸۸.

۱۳. «نظامی گنجوی اندیشمند و شاعر بزرگ»، عبدالشکور محمدامین، بورک، ش ۲،

۱۹۸۸.

۱۴. «تاریخچه محلی آسیای میانه، آسیای غربی و سین کیانگ»، عبدالحمید روپدی،

مجله علمی دانشگاه سین کیانگ (اویغوری)، ش ۳، ۱۹۸۸.

۱۵. «بهاء‌الدین نقش بندی و ادبیات جغتایی»، عبدالشکور محمد امین، روزنامه «دانشگاه

سین کیانگ، ش ۴، ۱۹۸۸.

۱۶. «سعدی و فعالیت‌های ادبی»، شیرین قربان، بورک، ش ۴، ۱۹۸۸.

۱۷. «شرایط تاریخی و فرهنگی - طاهر و زهرا»، کریم جان عبدالرحیم، مجله علمی

دانشگاه تربیت معلم سین کیانگ (اویغوری)، ش ۳، ۱۹۸۸.

۱۸. «پدیده همزه در ادبیات شرق»، شیرین قربان، مجله علمی دانشگاه سین کیانگ

(اویغوری)، ش ۱، ۱۹۸۹.

۱۹. «مبادلات ادبی و تأثیر متقابل آسیای میانه و ادبیات ملت‌های شرق»، شریف‌الدین

عمر، مجله علمی دانشگاه تربیت معلم سین کیانگ (اویغوری)، ش ۴، ۱۹۸۸.

۲۰. «عبدالرحمان جامی و فعالیت‌های ادبی او»، شیرین قربان، بورک، ش ۲، ۱۹۸۹.

۲۱. «عطار و آثار ادبی او»، شیرین قربان و مادری خان، بورک، ش ۴، ۱۹۸۹.

۲۲. «فعالیت‌های ادبی رومی»، شیرین قربان، بورک، ش ۴، ۱۹۸۹.

۲۳. «دانش خوشبختی و فرهنگ تاجیک»، شیرین قربان، مجله علمی دانشگاه تربیت معلم

سین کیانگ (اویغوری)، ش ۴، ۱۹۸۹.

۲۴. «تاریخ ترجمه ادبیات اویغور»، امین تورسون، مجموعه مقالات علمی تاریخ اداره

نشریات ملی پکن (اویغوری)، ۱۹۹۰.

۲۵. «افراسیاب و آلپ ارتون»، امین تورسون، مجموعه مقالات علمی تاریخ اداره نشریات

ملی پکن (اویغوری)، ۱۹۹۰.

۲۶. «ریشه داستان لیلی و مجنون و تأثیر آن در ادبیات اویغور»، کریم جان عبدالرحیم، مجله علمی دانشکده تربیت معلم خاش، ش ۲، ۱۹۹۱.
۲۷. «کیش زرتشتی و کتاب مقدس اوستا»، شیرین قربان و مادری خان، مجله علمی دانشگاه سین کیانگ (اویغوری)، ش ۱، ۱۹۹۱.
۲۸. «فردوسی و شاهنامه»، شیرین قربان و مادری خان، مجله علمی دانشگاه سین کیانگ (اویغوری)، ش ۳، ۱۹۹۲.
۲۹. «مردم دوستی، سوژه پایدار ادبی، سنت دوستی در شیرین و فرهاد و منشأ تاریخی آن»، تورسون قربان، مجله تریبون علوم اجتماعی سین کیانگ (اویغوری)، ش ۳، ۱۹۹۳.
۳۰. «شرح مختصری از شاهنامه»، نظام الدین تختی، مجله علوم اجتماعی سین کیانگ (اویغوری)، ش ۳، ۱۹۹۳.
۳۱. «تحقیقات اولیه درباره پدیده همزه»، قهرمان چاپار، مجله علوم اجتماعی سین کیانگ (اویغوری)، ش ۳، ۱۹۹۳.
۳۲. «شاهنامه، شاهکار ادبی شرق»، عبدالشکور محمد امین، مجله علمی دانشگاه سین کیانگ (اویغوری)، ش ۳، ۱۹۹۳.
۳۳. «تهذیب» مثنوی بلندی از ادبیات معاصر تاجیک»، شیرین قربان، مجله علمی دانشگاه سین کیانگ (اویغوری)، ش ۳، ۱۹۹۳.
۳۴. «عقاید بودایی نیاکان تاجیک»، شیرین قربان، مجله علوم اجتماعی سین کیانگ (اویغوری)، ش ۴، ۱۹۹۴.
۳۵. «بهزاد و مکتب مینیا تور»، تورسون کالپین، بورک، ش ۲، ۱۹۹۴.
۳۶. «دانش خوشبختی و رستاخیز فرهنگ شرق»، شریف الدین عمر، بورک، ش ۱، ۱۹۹۴.
۳۷. «نظامی گنجوی و خمسه نظامی»، شیرین قربان، مجله علمی دانشگاه سین کیانگ (اویغوری)، ش ۱، ۱۹۹۵.
۳۸. «ریشه صوفیگری اسلامی»، حرمت جان عبدالرحمان، بورک، ش ۱، ۱۹۹۶.
۳۹. «روند افکار صوفیگری اسلامی»، حرمت جان عبدالرحمان، بورک، ش ۴، ۱۹۹۶.
۴۰. «شعر "پنج برادر" اثر بلندی از ادبیات اویغور»، شیرین قربان، مجله علمی دانشگاه سین کیانگ (اویغوری)، ش ۱، ۱۹۹۷.
۴۱. «شرح مختصر افسانه‌های تاجیک»، شیرین قربان، مجله علمی دانشگاه سین کیانگ (اویغوری)، ش ۱، ۱۹۹۷.

- (اویغوری)، ش ۳، ۱۹۹۷.
۴۲. «ادبای کلاسیک اویغور که به زبان فارسی آثار خود را خلق کرده‌اند»، شیرین قربان، بورک، ش ۴، ۱۹۹۷.
۴۳. «گفتگوی ترکان و ایرانیان، تاریخ مبادلات فرهنگی بین فارس و ملت‌های ترک زبان»، دکتر اسد سلیمان، فرهنگ سین کیانگ (اویغوری)، ش ۱، ۱۹۹۸.
۴۴. «همزه در ادبیات شرق»، دکتر ضمیر سعدالله‌زاده، مجله علمی دانشگاه تربیت معلم سین کیانگ (اویغوری)، ش ۲، ۱۹۹۸.
۴۵. «پیرامون فردوسی و شاهنامه»، پیشگفتار کتاب منتخب شاهنامه، عبدالشکور محمد امین، اداره نشریات خلق سین کیانگ، ۱۹۹۹.
۴۶. «سنت همزه و خمسه نظامی»، اشرف عبدالله، بورک، ش ۱، ۲۰۰۰.
۴۷. «پند و نصیحت در قابوسنامه»، قمران محمد حاج، بورک، ش ۲، ۲۰۰۰.
۴۸. «جایگاه والای سعدی در ادبیات غرب»، دکتر مظفر بختیار، تایمز آسیای مرکزی (اویغوری)، ص ۳، ش ۱۸/۵/۲۰۰۰.

د. پژوهش درباره ادبیات فارسی

۱. «پژوهشی پیرامون پدیده همزه، (تز دکتر)، اسد سلیمان، دانشکده فوق‌لیسانس آکادمی علوم اجتماعی چین، ۱۹۹۹.
۲. «مقایسه ادبیات فارسی و ادبیات ملت‌های ترک‌زبان چین»، اسد سلیمان، پروژه تحقیقاتی فرهنگستان علوم اجتماعی چین، ۲۰۰۰.
۳. «مقایسه قواعد و اشکال ساختمان شعر قدیم در ادبیات عربی و فارسی با ادبیات ترکی در چین»، ضمیر سعدالله‌زاده، پروژه تحقیقاتی صندوق علوم اجتماعی چین، ۱۹۹۹.
۴. «ویژگی‌های هنری گلستان سعدی» (تز دکتر)، ضمیر سعدالله‌زاده، دانشگاه دوشنبه، ۱۹۹۷.